

Georges Bernanos

دریچه

وقتی آگامنون باز می‌گردد اگیست او را می‌کشد. الکترا برای این که انتقام پدرش را بگیرد (و این سوژه نمایشنامه ژیرودو است) در برابر مادرش قرار می‌گیرد. او برادرش را نیز به ارتکاب این انتقام می‌کشاند. (و این سوژه «مگس‌ها»ی سارتر است).

G افسانه اهالی تب نیز کم و بیش بر همین منوال است. اودیپ فرزند لائیوس و ژوکاست موفق نمی‌شود ندای غیبی را که جز ندای محکومیت خدایان نیست خنثی کند. او بی‌آن که پدرش را باز شناسد می‌کشد، با مادرش ازدواج می‌کند بی‌آن که این را بداند و محکوم می‌شود با چشمانی از حدقه درآمده در جاده‌ها سرگردان باشد. ژان کوکتو (ماشین جهنمی) نشان می‌دهد که چه گونه هیچ چیز نمی‌تواند «یکی از کامل‌ترین ماشین‌هایی را که به وسیله خدایان جهنمی برای نابودی قاعده‌مند نوع بشر ساخته شده» متوقف کند.



تنهایی تراژیک - ژرژ برنانو متولد پاریس و شاگرد یسوعی‌ها مبارز جوانی در صفوف روزنامه‌نگاران «عمل فرانسوی» است. جنگ داخلی اسپانیا او را در جزایر باله آرس گرفتار می‌کند. او در کتاب «گورستان‌های بزرگ در زیر نور ماه» (۱۹۳۸) در برابر الگوی خودکامگی (فرانکیسم) قد علم می‌کند. وی که به نظر می‌رسد فطرتاً اهل مشاجره‌های قلمی است مبارزاتش را در رساله‌های سیاسی‌اش تا زمان مرگ ادامه می‌دهد.

سرنوشت برنانو، سرنوشت ناگوار انسانی تنه‌است و موضوع آثارش نیز به همین امر اختصاص دارد. تنهایی اندیشه فداکاری را در پرسوناژهایش گسترش می‌دهد. تنهایی در عین حال موجب ترس می‌شود و انسان‌های تنها را تبدیل به موجوداتی با روح و روانی استثنایی می‌کند که با از خودگذشتگی و تواضعی که خدا به آن‌ها الهام می‌کند عجز می‌شوند.

از بین همه کشیش‌هایی که در آثارش وجود دارند کشیش کتاب «خاطرات یک کشیش روستایی» (۱۹۳۶) با بیان اعترافاتش بیش از دیگران برای ما درس عبرت می‌شود. او بسیار به ما نزدیک است و در ترس و آشفتگی‌های روحی‌اش بسیار انسان است. او به خاطر گناه دیگران رنج می‌کشد. به خاطر پستی‌هایی که ساکنان قلمرواش به او اعتراف می‌کنند و تعصبی که نشان می‌دهد موجب اندوه شدیدش می‌شود.

موضوع «گفت‌وگوهای کارملیت‌ها» (۱۹۴۸) از یک واقعه تاریخی الهام گرفته است: اعدام ۱۶ نفر از کارملیت‌های منطقه کومپنی در سال ۱۷۹۴. بلاش دو لافورس به دلیل ترس از تهدیدهای انقلاب و تکفیری که مذهبی‌ها قربانی‌اش هستند پناهگاهی در

دریچه

G نفرین خدا بر دختر اودیپ - آنتیگونه - اصابت می‌کند. از راه زناه با محارم چهار فرزند متولد شده‌اند: اته‌کل، پولینس، ایس منه و آنتیگونه. اودیپ عازم جنگی می‌شود که نب را فرا گرفته است. در جنگ برادرکشی به خاطر قدرت، اته‌کل و پولینس یکدیگر را می‌کشند. کرنون برادر ژوکاست با تشییع جنازه اته‌کل موافقت می‌کند اما خاکسپاری پولینس را نمی‌پذیرد. آنتیگونه‌ای که ژان آنسوی معرفی می‌کند با کرنون ظالم درمی‌افتد و برادرش را به خاک می‌سپارد. او تجسم طغیان و مقاومت است. به روایت برنولت برشت او نمونه‌ای از مردمی است که در جنگ با ظالم هستند.

G به روایت نویسندگان باستانی انسان به سرنوشت خویش تسلیم شده است. با فقدان خدایان حاکم در قرن بیستم سرنوشت انسان در دست خودش قرار می‌گیرد.

ژان ژیرودو

۱۸۸۲-۱۹۴۴

روشنایی‌های ادراک - ژان ژیرودو متولد بلاک در نزدیکی لیموژ است و در سال ۱۹۱۰ وارد مشاغل دیپلماتیک می‌شود. اوقات فراغتش را وقف نوشتن می‌کند اما از سال ۱۹۲۸ مشخصاً تئاتر را انتخاب می‌کند.

رمان‌های ژیرودو حول محور دو تم اصلی گسترش می‌یابند که دو نوع رمان را به وجود می‌آورند. رمان‌هایی که به دوگانگی شخصیتی می‌پردازند و رمان‌هایی که زندگی درونی را توصیف می‌کنند. در رمان‌های نوع اول، قریحه سیاسی موجب خلق تریولوژی می‌شود: سیگفرد و لیموزین (۱۹۲۲)، بلا (۱۹۲۶)،

اگلانتین (۱۹۲۷). سیگفرد که بلافاصله برای نمایش تنظیم می‌شود ژیرودو می‌خواهد گسختگی تجربه به وسیله تعداد کثیری از هوشمندان دو ملت، در برابر خسارتی که به وسیله جنگ در دو فرهنگ - که می‌بایست خواهان یکدیگر باقی بمانند - به وجود آمده بیان کند.

در رمان‌های سری دوم ژیرودو به خاطر بروز دادن تخیل، طنز و شعر غنایی‌اش خود را از مشغله‌های سیاسی - اجتماعی رها می‌کند. در «سوزان و پاسیفیک» (۱۹۲۱) نوعی رابینسون کروزو تخیلی و خیال‌پردازانه خلق می‌کند. رابینسونی که به غیر از سروسامان دادن مسائل مربوط به ادامه حیاتش در جزیره دور افتاده‌ای که در آن گمشده، از تنهایی‌اش برای جایگزینی دنیای مأنوسش و از دنیای درونی سرشار از تخیل بهره می‌برد.

در رمان‌های او توطئه‌ها حساب شده هستند و پرسوناژها دقیق طراحی شده‌اند. اما ژیرودو سبک بیان متفاوتی انتخاب می‌کند و به این طریق توازن در نوشتارش تحقق می‌یابد.

تئاتر - برای ژیرودو تئاتر قبل از هر چیز محملی برای افسون کردن است. سوژه‌ها (باستانی یا مدرن) لحن‌ها (طنز، ریشخند، زهرخند) واقعیتی سترگ هستند. منابع آثار او متعددند و از کتاب‌های عهد عتیق (سودوم و گوموره ۱۹۴۳) و از سبک رمانتیسیم آلمانی سرچشمه می‌گیرند: (اوندین ۱۹۳۹) اما سوژه‌های آن‌ها را خودش خلق می‌کند.

ماجرای «انترمزوه» (۱۹۳۳) چنین است: ایزابل معلم است. او «کلاس‌هایش را در هوای آزاد برگزار می‌کند»، تابلوی لاجوردی، گچ طلائی، مرکب صورتی و مداد زرد را به علفزار می‌برد و صفر را به دلیل شباهتش به بی‌نهایت به منزله بهترین نمره می‌پذیرد.

Jean Giraudoux



کارمل یافته است. هر چند که دستگیری‌ها جز بیشتر شدن آن‌ها کار دیگری نمی‌کند. بلانش تسلیم نمی‌شود مگر لحظه‌ای که برای مردن به سوی چوبه‌دار می‌رود.

چنین است وصیت‌نامه معنوی ژرژ برنانو، نویسنده‌ای پرشور، گاهاً زود خشم و متناقض اما تا عمق جانش وفادار به مقام والای انسان.

دریچه

عصر درگیری‌ها

G از سال ۱۹۲۹ شکست اقتصادی دامن ملت‌های بزرگ را می‌گیرد. با سقوط بورس نیویورک ایالات متحده به «رکود بزرگ» کشیده می‌شود و بحران تیره‌ترین حکایت خود را بازگو می‌کند. در اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی استالین که در سال ۱۹۲۴ جانشین لنین شده دست به قلع و قمع مخالفان خود می‌زند. در آلمان در سال ۱۹۳۴ هیتلر به اتفاق آراء برگزیده می‌شود. در حالی‌که در سال ۱۹۳۹ جنگ داخلی به وسیله فرانکو اسپانیا را از پا درمی‌آورد. در فرانسه افزایش قیمت‌ها، سقوط فرانک، رسوایی‌های مالی، بیکاری و اعتصاب‌ها این اوضاع و احوال بین‌المللی را تشدید می‌کنند و باعث ائتلاف احزاب چپ می‌شوند. جبهه مردم ۱۹۳۶ (ائتلافی از احزاب چپ: کمونیست‌ها، سوسیالیست‌ها، رادیکالیست‌ها) اولین دولت سوسیالیستی واقعی را با نخست‌وزیری لئون بلوم به قدرت می‌رساند که دست به

(بی.اچ. سیمون). او آدم قدبلند را دوست دارد اما خودش را به بازرس آکادمی، شهردار، ناظر وزن و قد تسلیم می‌کند: شعر است که در مقابل واقعیت معمول و روزمره سر تعظیم فرود می‌آورد.

دختران جوان که نتائر ژیرودو را اشغال می‌کنند هم چون «اون دین» ملکه آب‌ها که عاشق شوالیه‌ای سرگردان است یاد می‌گیرند که عشق انسانی با رؤیا ناسازگار است و همین عشق در «جنون شایو» (۱۹۴۵) به شکل گسترده‌ای مطرح می‌شود. ژیرودو با «الکتر» (۱۹۳۷) در انجام وظیفه عدالت‌جویانه‌اش اصرار می‌ورزد و پایدار می‌ماند و دوباره به این طریق موانعی را که در اطراف انسان وجود دارند و تا برقرار شدن سرنوشتی که باید حاکم شود همراهش هستند تجربه می‌کند. اما در عین حال، انسان بازیچه دست خدایان، خرد شده و رها شده در دست‌های سرنوشتی پوچ و تمسخرآمیز در «جنگ تروا» اتفاق نخواهد افتاد» (۱۹۳۵) نیست.

گاهی ژیرودو را به‌خاطر این که بیش از هر چیز در زبان تبحر دارد سرزنش کرده‌اند. سبک او پیوسته درخشان و جملاتش صریح، مؤجز و هوشمندانه است. او تقلیدهایی تمسخرآمیز و عالمانه را به کار می‌بندد. (تقلید مضحک از گفت‌وگو با مردگان ۱۸ - ۱۴ در «جنگ تروا» اتفاق نخواهد افتاد)، بهره‌جویی از اشتباهات تاریخی، تناقض‌ها، بازی با کلمات و توصیف‌های مضحک (یونان بسیاری از شاهان و بزها روی مرمر گسترده‌اند). جملاتش با اسلوبی ماهرانه سرشار از تعبیر و تبدیل‌هایی ناب و دقیق جلوه می‌کنند.

Louis Ferdinand Celine

لویی فردیناند سلین

۱۸۹۴-۱۹۶۱

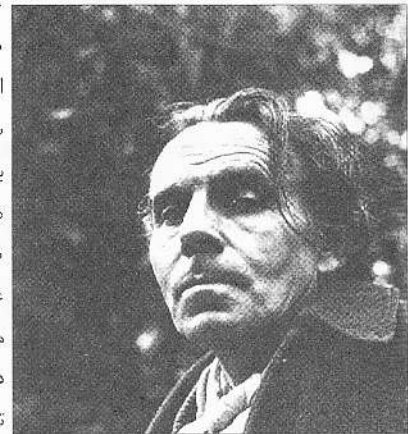
حماسه‌های حومه شهر - «بی‌کفایتی ملی» که سلین در بازگشت از تبعید طولانی‌اش در سال ۱۹۵۸ آن را به‌خاطر همکاری با دشمن - محکوم کرده است به طور موقت در آثارش منعکس شده است. با این حال این اوست که از سال ۱۹۳۲ ادبیات مربوط به رمان را با جسارت‌هایش منقلب کرده است. شاید بدون «سفر به انتهای شب» کتاب «تهوع» سارتر آن چیزی نمی‌شد که اکنون هست. سلین با ارائه آثارش که در آن‌ها از اوضاع نابه‌سامان در تیره‌بختی و طغیان در برابر مصائب اجتماعی سخن می‌گوید و با کاربرد معجزه‌آسای زبان عامیانه تبدیل به یکی از اصلی‌ترین و قدرتمندترین نویسندگان قرن بیستم می‌شود.

دادخواهی از بی‌عدالتی - «می‌توانم درباره قرن قبل سخن بگویم، من آن را تمام شده یافته‌م... سلین که در کوربوا در میان نژادی متواضع متولد شده است کودکی‌اش را در «مرگ نسبه» (۱۹۳۶) به تصویر می‌کشد.

او حال و هوای قدیمی معروف را به یاد می‌آورد: «رانسی عوض شده است، از حصارها و برج و باروهای آن تقریباً هیچ چیزی باقی نمانده است. تکه‌های بزرگ سیاه و شکافته شده مثل ریشه از خاک نرم بیرون کشیده می‌شود. همه چیز آن‌جا رنگ خواهد باخت. لثه‌های کهنه شهر ورم می‌کند».

در ۱۹۲۴ به هر زحمتی که هست موفق می‌شود از یک تز پزشکی دفاع کند. بخش بهداشت انجمن ملی او را به مأموریتی در آمریکا و آفریقا می‌فرستد. بعد از بازگشت از این سفر یک دفتر کار تأسیس می‌کند.

اولین رمانش «سفر به انتهای شب» (۱۹۳۲) موفقیتی آبی برایش به‌بار می‌آورد. او در این کتاب زندگی‌اش را به رشته تحریر درآورده و فردیناند باردامو فهران قصه خود اوست: «ادبیات آن را تعدیل می‌کند. این رمان که با زبانی صیقل نیافته، آرگوتیک و



دریچه

اصلاحات بزرگ می‌زند. پرداخت حقوق برای روزهای تعطیل - که پیش از آن سابقه نداشت - ۴۰ ساعت کار در هفته و تخفیف قیمت راه آهن. اگر قبلاً از «افق آبی» صحبت می‌شد

و رنگ اونیفورم‌ها سمبل وطن پرستی فرانسوی بود، اکنون از «افق سرخ» صحبت می‌شود.

هنرمند نمی‌تواند در وقوع حوادث بی‌طرف بماند. شاعر

اسپانیایی فدريكو گارسيا لورکا که به وسیله فرانکیست‌ها

تیرباران می‌شود قربانی جنگ داخلی است. پیکاسو درباره

کشتار گرنیکا و برج وباروی آزادی مردم باسک نقاشی

می‌کشد. رژیم هیتلری نویسندگان بزرگی همچون

استفان تسوایک، فرانس ورفل و آن فالادا را به تبعید

می‌فرستد. جان اشتاین‌بک حماسه ترازدیک «بحران

بزرگ» را با خوشه‌های خشم (۱۹۳۹) به رشته تحریر

درمی‌آورد. وضعیت در برلین، مسکو و مادرید باعث تحریک

نویسندگان فرانسوی از هر نوع گرایش می‌شود.

ناموزون نوشته شده راوی فهرستی از بلاای نسل او و دادخواهی پرشوری در برابر بی‌عدالتی‌های اجتماعی است. سیاست و یهودی‌ستیزی - سلین در بازگشت از سفر شوروی به سیاست تمایل پیدا می‌کند و هجو به‌های بی‌نهایت تندی را به چاپ می‌رساند. چیزهایی بی‌ارزش برای کشتار (۱۹۳۷)، آیین جسد (۱۹۳۸). نفرت او نسبت به یهودیت در این آثار با چنان شدتی آشکار می‌شود که مجبور می‌شود نسخه‌های فروخته شده را پس بگیرد. بی‌شک در رفتار او خصومت مفرطی نسبت به یهودیت وجود دارد که بخشی از بیماری ذهنی اوست و استعدادهای کینه‌جویانه‌اش را تحریک می‌کند. این وضعیت او را به پیوستن به دولت ویشی ترغیب می‌کند. در سال ۱۹۴۵ دانمارک را تصرف می‌شود و او را به خدمت در آنجا فرا می‌خوانند. در بازگشتش به فرانسه به‌رغم کینه‌ای که در عقایدش آشکار است به نوشتن رمان ادامه می‌دهد. این بار «گروه خیمه‌شب‌بازی» (۱۹۴۴) و پُل لندن (که در سال ۱۹۶۴ بعد از مرگش چاپ شد) محیط‌های رازآلود لندن را توصیف می‌کنند. او از حضور در فضاهای کنایی سرزمین‌های پستی که ماجراجوها، شکست‌خورده‌ها و قربانی‌های ترحم‌برانگیز جامعه از هر نوعی در آن وجود دارند لذت می‌برد. انسان‌هایی که با اندکی از امید و رؤیا در انتهای شب خویش به جست‌وجوی کورسویی از پرتو خوشبختی هستند.



مردم‌گریز - سلین به دلیل کنکاش درباره خود و روایات قهرمانی خاص خودش قریحه‌اش را می‌خشکاند.

با این حال در وقایع‌نگاری‌هایی که درباره جنگ دارد بو رومانس ۱۹۵۴، نورد (۱۹۶۰) او هنوز هم می‌تواند با عاطفه، پرهیجان، خیال‌پرداز و بی‌تاب باشد.

با «از قصر دیگری» او دیگر نگاهش را جز برای مضحکه‌ها و زشتی‌ها آن هم به شکلی رقت‌انگیز و مفرط بر نمی‌گرداند.

او سعی می‌کند تظاهر کند که چیزی از بُرندگی و حالت تهاجمی‌اش کاسته نشده است ولی به پیرمردی منزوی تبدیل شده که به اشتباه خود پی برده است. او دیگر ریشخند نمی‌زند بلکه بدخو است، دیگر اهل مجادله نیست بلکه مردم‌گریز است.

با این حال فقط با خواندن «سفر به انتهای شب» یا «مرگ نسیم» می‌توان شکل کامل قدرت خلاقانه خشنی را که سلین بر ادبیات فرانسه نقش زده است درک کرد.

Pierre Drieu la Rochelle

۱۸۹۳-۱۹۴۵

خطرات جزم اندیشی - دریو لا روشل متعلق به نسلی است که در بیست سالگی به جنگ کشانده می‌شود و در جنگی دیگر در پنجاه سالگی از پا درمی‌آید. از این نظر او شبیه به قهرمان رمان آراگون «اورلین» است. جوان رزمنده‌ای که بعد از جنگ دیگر نمی‌تواند توانش را باز یابد. زندگی احساساتی‌اش شکست می‌خورد و کم‌کم در شکاکیت غرق می‌شود.

دریو در فاصله بین دو جنگ به‌طور هم‌زمان تحت تأثیر ناسیونالیسم «بار» و سلطنت‌طلبی «موراس» و کمونیسم «مالرو» و «آراگون» قرار می‌گیرد. او نه می‌تواند تمایلات سیاسی متناقضش را با تعهدات نویسندگی‌اش هماهنگ کند و نه قادر است بین

دریچه

تعهد - در دهه ۱۹۳۰ کمتر کسی می‌تواند بی‌طرف بماند. ژان گنو یکی از متفکران این دوره اعلام می‌کند که: «وظیفه نویسنده تعهد است». سورنالیست‌ها در کمونیسم میدان بهتری برای بیان طغیان‌شان می‌یافتند. رومن رولان که جز برای جست‌وجوی آرامش نزد فرزائگان هند از لنین روی برنمی‌گرداند و هانری باربوس که تا زمان مرگش در مسکو (۱۹۳۵) در حزب کمونیست مبارزه می‌کند از پیشگامان تعهد بودند. ادبیات در این سال‌ها پر مشاجره‌ترین دورانش را پشت سر می‌گذراند.

G کرانه چپ - در پاریس در کرانه چپ رود سین زندگی روشنفکری به طور جدی در جریان است. از سال ۱۹۳۵ سن - ژرمن - د - پره از نخبه‌های بین‌المللی در گالری‌ها و کتاب‌فروشی‌ها و کافه‌های پذیرایی می‌کند. نویسندگان امریکایی، ارنست همینگوی، گرتروود استین، ازرا پاند و اسکات فیتزجرالد

گرایش به رؤیا و نیاز به قدرت یکی را انتخاب کند. این تناقض و دوگانگی او را تباه می‌کند. او راه حل ممکن را در فاشیسم می‌بیند و آن را برمی‌گزیند. در زمان اشغال قبول می‌کند که NRF را تحت عنایت آلمان‌ها دوباره راه بیندازد. در سال ۱۹۴۵ وقتی می‌خواهند این همکار معروف NRF را به خاطر ارتباط با دشمن دستگیر کنند خودکشی می‌کند. بهترین رمان او Gilles (۱۹۳۹) داستان مرد جوانی را از ۱۹۱۸ تا ۱۹۳۹ حکایت می‌کند که مثل خودش فاشیست است و هم چون او با تنهایی و مرگ پیمان بسته است. در یو حتی در تعهدات سیاسی‌اش به وسیله اخلاقی موهوم دست به ارشاد می‌زند. او فاشیسم را به مثابه جنبشی با رادیکال‌ترین مفهوم برای احیای اندام، سلامتی، وقار، کمال و قهرمانی به شمار می‌آورد. او حضور خودش را در آلمان به ریشخند می‌گیرد چرا که مبارزی برای وحدت اروپا است. او بیش از هر کس دیگری مصداق انسانی است که به خاطر حسن نیت مرتکب خطاهای سیاسی می‌شود.

Andre Malraux

۱۹۰۱-۱۹۷۶



دریچه

در کتاب فروشی سیلو یا بیج دور هم جمع می‌شوند که تابلوی Shakespeare and Co. بر سر در آن است.

آدرین مونیبه از آندره ژید، پل والری، ژان پلان و ژرژ دوآمل پذیرایی می‌کند. اندیشه‌ها و مطبوعات در محافل ادبی کوچک و دوستانه ردوبدل می‌شوند و ژان پل سارتر نیز در کافه دو - ماگو میز مخصوص خودش را دارد.

لویی آراگون در «دهستان» می‌نویسد: «نه هنر بی‌طرف وجود دارد، نه ادبیات بی‌طرف... ادبیات کارگری در حال تولد است...»

موزه‌های خیالی

G چاپ «صدای سکوت» در سال ۱۹۵۱ حادثه بزرگی در تاریخ هنر محسوب می‌شود. مالرو در این رساله با کاوش در رموز جهانی آفرینش آثار هنری ثابت می‌کند که هنر ضد سرنوشت است چرا که علیه مرگ می‌ستیزد فهرست شگفت میراث هنری کره زمین نشان می‌دهد که هر اثر و هر هنرمند ورای زمان و مکان

حادثه انسانی - آندره مالرو در کتاب خاطراتش به ثبت زندگی‌اش نپرداخته بلکه فقط درباره دوره‌های سخت آن که مربوط به تاریخ می‌شود نوشته است. او مورد انتقاد عیب‌چوها قرار می‌گیرد. متهم به اپورتونیسیم می‌شود و سبک و سیاقش تقلیدی شمرده می‌شود. اما نباید منکر شد که او بیش از آن که انسانی سیاسی باشد و بیش از آن که نویسنده باشد یکی از باهوش‌ترین و روشن‌بین‌ترین شخصیت‌های قرن بیستم است.

مالرو حوادث روزگارش را پی‌گیری می‌کند و همیشه در جایی که موقعیت انسانی در خطر است حاضر می‌شود. او شیفته‌ای مطلق است که از مرگ در اضطراب است و با حساسیتی که نسبت به خطرات تعصب و ظلم دارد وارد عرصه عمل می‌شود. مالرو شبیه به قهرمان یکی از کتاب‌های خودش است. انسانی که او هست و خلق می‌کند «موجودی تنزل‌یافته، سست و تسلیمی نیست که ما پستی‌های او را در بسیاری از آثار دیروز و امروز می‌توانیم ببینیم»^۱

تجربه خاور دور - آندره مالرو در پایان تحصیلاتش برای انجام مأموریتی باستان‌شناسی به لائوس فرستاده می‌شود. او از سال ۱۹۲۲ تا ۱۹۲۸ در آن‌جا می‌ماند و در اوضاع پریشان همین سال‌ها که مقدمات اعلام جمهوری مائوتسه دونگ فراهم می‌شد کاراکتر سیاسی‌اش شکل می‌گیرد و در عین حال با هنر شرقی آشنا می‌شود. بعد از بازگشت در کتاب «وسوسه غرب»

اندیشه‌های موازی‌اش را درباره انسان سفید که خواب افتخار و عمل می‌بیند و انسان زرد که در آرامش نفس می‌کشد ارائه می‌کند. اما به ویژه در سه رمان اوست که درس‌هایی از تجربه‌های آسیایی‌اش ترسیم می‌شود: «فاتحان» (۱۹۲۸)، «گذرگاه سلطنت» (۱۹۳۰)، «موقعیت انسانی» (۱۹۳۳). «موقعیت انسانی» یکی از کتاب‌های مهم روزگار ماست که قصه آن در چین ۱۹۲۷ جریان دارد. این رمان نگرانی «کیو» جوان انقلابی اهل اورازی را نشان می‌دهد که بین دو ایدئولوژی گرفتار مانده است. یکی اندیشه غربی که او را مجبور به جنگیدن با واقعیت می‌کند و دیگری اندیشه شرقی که او را به ذوب شدن در عالم متعهد می‌سازد. او که درگیر جریان‌ات انقلابی است و در خدمت منافع جمعی قرار دارد نمی‌تواند این منافع را قربانی تمایلات شخصی‌اش کند. او می‌پذیرد که زندگی‌اش را فدای دیگران کند و با این قربانی شدن متعالی، آشکار می‌سازد که مردن می‌تواند «عملی پرشور و احساس‌والایی از یک زندگی...» به شمار آید.

علیه فاشیسم - مالرو تا بروز جنگ جهانی دوم فعالیت شدید علیه همه فاشیست‌ها از خودش نشان می‌دهد. پذیرش موقت کمونیسم نیز به همین سبب است. او با

همسرش کلارا در اتحاد شوروی می‌ماند. اما برای دفاع از متهمان کمونیست درگیر در ماجرای حریق رایشتاگ^۲ همراه ژید به برلین بازمی‌گردد. این آخرین سفر او موجب نگارش «روزگار تحقیر» (۱۹۳۶) می‌شود که در آن نفرتش را از دنیای متمرکز بیان می‌کند. در زمان جنگ داخلی اسپانیا اولین نویسنده‌ای است که برای فتح اسپانیا در هوانوردی خارجی در خدمت ارتش جمهوری خواه قرار می‌گیرد. او برای جمع‌آوری کمک مالی به نفع اسپانیا عازم امریکا می‌شود. این تجربه جدید باعث خلق دو ورسیون «امید» (۱۹۳۷ (فیلم و رمان) می‌شود.



همسرش کلارا در اتحاد شوروی می‌ماند. اما برای دفاع از متهمان کمونیست درگیر در ماجرای حریق رایشتاگ^۲ همراه ژید به برلین بازمی‌گردد. این آخرین سفر او موجب نگارش «روزگار تحقیر» (۱۹۳۶) می‌شود که در آن نفرتش را از دنیای متمرکز بیان می‌کند. در زمان جنگ داخلی اسپانیا اولین نویسنده‌ای است که برای فتح اسپانیا در هوانوردی خارجی در خدمت ارتش جمهوری خواه قرار می‌گیرد. او برای جمع‌آوری کمک مالی به نفع اسپانیا عازم امریکا می‌شود. این تجربه جدید باعث خلق دو ورسیون «امید» (۱۹۳۷ (فیلم و رمان) می‌شود.

دریچه

روشنایی خاص خودش را می‌تاباند و تبدیل به مرکزی با ویژگی‌های «موزه‌های خیالی» می‌شود. تاریخ هنر قرن بیست نسبت به قرن هجده شاهد آثاری کمتر فنی و بیشتر پُر جاذبه است. این حقیقتی است که روش‌های تحقیق برای راه یافتن به «اسرار شاهکارها» از تمام دستاوردهای علم مدرن (کربن ۱۴، اشعه ایکس، میکروسکوپ الکترونیکی، عکس با وضوح کامل) بهره می‌برند. مجموعه «دنیای فرم‌ها» بی‌بدیل است (سومر ۱۹۶۰، آشور ۱۹۶۱) تاریخ هنر لویی اوتکور و الی فور آثار هنری را مانند بخشی از یک تمدن مورد بررسی قرار می‌دهند. تاریخ تمدن مصر باستان (۱۹۶۱) اثر ژک پیرن به ندرت فراتر از آن را می‌کاوید. آندره بونار به تمدن یونان می‌پردازد (۱۹۵۴)، پیر گریمال تمدن رومن (۱۹۶۵) را مورد توجه قرار می‌دهد و ژک لوگوف تمدن شرق و قرون وسطی را کنکاش می‌کند. (۱۹۵۶)

آن چه از نگرانی‌های قرن بیستم می‌کاهد این است که میراث نبوغ جهانی هم‌چنان جهانی باقی می‌ماند آن‌گاه که مالرو بر لب‌های یک بودای اندونزیایی همان لبخندی را می‌بیند که بر لب‌های باکره دوره گوتیک یا زنی از ناحیه توسکان وجود دارد.

فرمانده‌ای ممتاز - جنگ اسپانیا برای او فرصتی است تا فضیلت‌های انسانی‌اش را عملاً نشان دهد. اما طی جنگ جهانی دوم تا فرا رسیدن آزادی است که او تمام وجودش را به خدمت می‌گیرد. او که در سال ۱۹۳۹ رزم‌آور تانک‌هاست در ۱۹۴۰ زخمی می‌شود، زندانی می‌شود، فرار می‌کند، نسبت به نهضت مقاومت متعهد است و از خود چهره‌ی یک قهرمان می‌سازد. او به اولین ارتش فرانسه ملحق می‌شود و بریگاد آلزاس - لورن را فرماندهی می‌کند. بین او که «یاور آزادی»^۱ است و ژنرال دوگل دوستی مستحکمی ایجاد می‌شود به طوری که در خلوتگاه دوگل در کولومبی - ل - دوزاگیس با او همراه می‌شود. پایان تألیفات رمانی‌اش - درختان گردوی آلتن بورگ (۱۹۴۳) همراه با جنگ تاریخ‌گذاری می‌شود. از این پس تجارب انقلاب در او آرام می‌گیرد تا روی موضوع انسان و اندیشه‌هایی درباره‌ی هنر تمرکز یابد.

در خدمت فرهنگ - از این پس او خودش را وقف تاریخ و فلسفه‌ی هنر می‌کند. در سال ۱۹۵۹ در ادامه‌ی فعالیت‌هایش به وزارت فرهنگ و هنر منصوب می‌شود. او در این پست، به تأسیس خانه‌های هنر می‌پردازد و از روی اسلوب به احیای بناهای تاریخی می‌پردازد. او پایان زندگی‌اش را به همراه لوییز دو ویلمورن در «وریر» می‌گذارند. مرگ ویلمورن رمان‌نویس (مادام ۱۹۵۱) چند سال پیش از مرگ مالرو اتفاق می‌افتد و او را سخت پریشان می‌سازد.

با «موقعیت انسانی» مالرو به‌عنوان یکی از اولین رمان‌نویس‌های معاصر مطرح می‌شود. با «صدای سکوت» و «روانکاوای هنر» او تبدیل به یکی از تحلیل‌گران اصلی آثار هنری و شاید اولین زیبایی‌شناس قرن بیستم می‌شود. او پیوسته در برابر شرایط انسان حساسیت به خرج می‌دهد و نگران است اما بر این نگرانی فائق می‌شود. همان‌گونه که ژان شلومبرژر اشاره دارد: «هرگز پیش نمی‌آید که ما کتابی از مالرو بخوانیم و از نوعی شور انسانی آکنده نشویم».

پانویس‌ها:

۱. «آندره مالرو، حادثه‌های انسانی» (مقاله‌ای است از «آندره ژید» در «زمین انسان‌ها» که در ۱۹۴۵ نوشته شده است)
۲. Reichstag مجلس قانون‌گذاری آلمان است که کاملاً تحت تسلط حزب ناسیونال سوسیالیست بود. آتش‌سوزی آن در سال ۱۹۳۳ - احتمالاً به وسیله مارشال گورینگ - بهانه‌ای برای متهم کردن کمونیست‌ها و محروم کردن و تبعید همه آن‌هایی می‌شود که از ریشه‌آرایی نبودند. (یهودی‌ها، اسلاوها و قوم‌هایی از اروپا)
۳. سازمان ملی فرانسه در سال ۱۹۴۰ به وسیله ژنرال دوگل پایه‌گذاری شد تا از اشخاص برجسته‌ای که در راه آزادی فرانسه سهم بودند قدردانی کند. نام‌نویسی در این لیست که اعضای آن «یاوران» نامیده می‌شدند در سال ۱۹۴۶ به پایان رسید.

